

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

خوب به چشمانم نگاه کن، من درد مشترکم، مرا فریاد کن



کودکان کار، پیرانسان های کوچک اندام
چرا کودکان کار می کنند؟

بعضی از سرمایه داران کودکان را به خاطر جثه کوچک شان برای کار مفید تر از بزرگسالان می یابند ، برای گره زدن قالی‌های گران قیمت (دختر ۶ ساله ای در ایران به عنوان بهترین قالی باف انتخاب می شود و در کمال بیشرمی در بوق و کرنا دمیده می شود و از رهبر جایزه دریافت می کند!!) برای خزیدن در تونل های باریک معادن و در معنای درست کلمه برای این که سود بیشتری از این کار نصیب سرمایه می شود. به طور مثال، در سال ۱۳۷۶ طبقه سرمایه دار ایران نهصد و هجده میلیارد تومان از محل کار کودکان سود اضافی به چنگ می آورد

کار کودکان

نگارش : فریده ثابتی

در ترکیب بالا، دو کلمه "کار" و "کودک" احتیاج به توضیح دارند. باید دید کودک کیست و کار چیست و شمول آن در چه محدوده ای است. در وهله اول شاید بگوئیم خوب کودک کودک است مثل همه کودکان. اما وقتی پای کار به میان می آید دیگر کودک به مفهوم رایج کودک در نظر گرفته نمی شود بلکه مانند هر کارگری بوی خوش ارزش اضافی را به مشام سرمایه می رساند.

کودک، بنا به تعریف پیمان نامه سازمان ملل در باره کودکان، انسانی است که ۱۸ سال را تمام نکرده است مگر این که سن بلوغ در کشوری بنا به حقوق جاری اش کمتر تعیین شود! این «مگر» اما خود ناقض تعریف کودک می شود، زیرا می شود با آن مثلا معیار ۹ سال را برای بلوغ دختران و خارج کردن اینان از زمره کودکان به مردم تحمیل کرد و به حقوق و قوانین ارتجاعی صحه گذاشت. یا اجازه داد تصمیم گیری در مورد کار کودکان زیر ۱۸ سال به پدر یا قیم یا مقامات قضائی سپرده شود. نمونه این دو مورد را در قوانین کشورهای اسلامی و قانون کار بسیاری از کشورهای دنیا می یابیم.

گذشته از این اما و اگر و مگرها باز هم کشورهای که پیمان نامه را پذیرفته اند در اجرای آن خود را موظف نمی دانند و چشم بر نقض آن می بندند. جای تعجبی هم نیست، زیرا در نظامی که نیروی کار انسان کالائی مثل هر کالای دیگر است همواره برای خرید و فروش این کالا راه های گریزی وجود دارد، معامله ای که بنا به تعریف آزاد است. فروشنده در بازار کالای نیروی کار، کالای خود را به میل خود و بدون هیچ گونه فشار و اجباری می فروشد! خریدار هم آزاده و برابر! این کالا را می خرد تا به نحوی که خود می خواهد از این کالا یعنی نیروی کار استفاده کند. اما آیا واقعا فروشنده آزاد است؟ فروشنده ای که در این رابطه با خریدار برابر شمرده می شود چیزی برای فروش ندارد جز نیروی کارش و قیمت آن را هم نه خود بلکه شرایط جاری و مناسبات حاکم در جامعه تعیین می کند. باز هم بنا بر تعریف، این قیمت یا به بیان دیگر مزد کارگر باید به مقداری باشد که باز تولید نیروی کار حاضر و آتی را فراهم سازد. یعنی باید حداقل نیازهای زندگی کارگر و خانواده اش را تأمین کند. اما سرمایه دار به دلیل وجود ارتش ذخیره کار (خیل بیکاران) نگرانی از نبود کارگر ندارد. قابل ذکر است که این قوانین و باید و نباید ها نه در اثر خیراندیشی پارلمان نشین ها و دولت های سرمایه داری بلکه حاصل مبارزات چند قرنه کارگران است. البته اینان هم تمام سعی خود را در تعدیل و تخفیف خواست های کارگران در جهت حفظ منافع سرمایه انجام داده اند. با وجود این واقعیات بسیار دور از این تعاریف است، به نحوی که کارگری که می باید نیروی کار خود را برای تأمین نیازهای خود و خانواده اش بفروشد مجبور به فروش نیروی کار زن و فرزندان خود نیز می شود. پس زن و فرزندان خود را می فروشد و " برده فروش " ۱ می گردد. چشم برهم می گذارد و اجازه می دهد زن و دخترانش

برای کمک به مخارج خانواده به خودفروشی پردازند. و بدین طریق مسأله کار کودکان مطرح می‌شود. امروزه بنا به تعریف سن کار از طرف سازمان بین المللی کار، کار کودک به کار افراد زیر ۱۵ سال اطلاق می‌شود. اما آغازش از کجا و چگونه بود؟

بدون شک از زمان های دور کار کودکان مطرح بود. در دوران برده داری که برده و تمام زندگی و حیات و ممتش به برده دار تعلق داشت کودکان هم که با مهر برده بودن به دنیا می آمدند- گرچه در بسیاری از موارد فرزندان همان برده داران بودند - از کودکی کار را در کنار دیگر برده ها شروع می کردند. اما منافع برده داران در آن بود که برای حفظ ارزشی که صرف خرید برده شده و استفاده از کار بردگان، حداقل زندگی آن ها تأمین کند. یا در دوران فئودالیسم که دهقان وابسته به زمین بود و اختیار جان و مالش با مالک، کودکان نیز از زمانی که توان کار پیدا می کردند در کناروالدین و خانواده به کار می پرداختند. شدت و سختی کار بستگی به شرایط داشت. اما کار کردن در سرمایه داری معنی و ویژگی دیگری دارد. سرمایه داری به کار کودکان سروسامان داد که آغاز آن به ورود ماشین در کار تولید کالا برمی‌گردد. با ورود ماشین دیگر نیروی عضلانی کارکردش را از دست می دهد. بنا براین، به کارگیری کارگرانی که نیروی عضلانی چندانی ندارند و یا اصولاً به خاطر سن کم بدن شان هنوز به رشد و تکامل لازم نرسیده اما دارای نرمش و انعطاف بیشتری است و، از همه مهم تر، نیروی کارشان بسیار ارزان است در دستور کار سرمایه داری قرار می‌گیرد. این کارگران جدید، **زنان و کودکان** هستند.

بدین گونه کودکان مجبور می شوند به دلیل فقر وحشتناک خانواده که خود ناشی از بهره کشی بیش از اندازه سرمایه داری است به جای بازی های کودکانه، به جای استفاده از اسباب بازی، به جای رفتن به مدرسه و سواد آموزی، روانه کارخانه‌ها شوند و در محیط نامناسب آن از نظر جسمانی و هم اخلاقی و فرهنگی، با ابزار کار سرو کار پیدا کنند و به عنوان نیروی کارمورد استثمار شدید قرار گیرند. اینان کودکان خانواده های کارگری هستند.

پدر به عنوان کارگر در همین کارخانه یا کارخانه ای دیگر یا معدنی مخوف مشغول کاراست. اکنون مادر نیز به کار گرفته شده اما باز هم سفره از نان خالی است. کل خانواده به خدمت سرمایه درآمده است در حالی که بنا به تعریف ارزش نیروی کار (مرد یا پدر خانواده) می باید کارگر و خانواده اش را تأمین و بازتولید کند. اما شدت استثمار چنان بالاست و مزد پرداختی چنان پائین که به جای مرد خانه کل خانواده باید کار و اضافه کاری نماید تا شاید همان مزد و یا اندکی بیشتر را بتواند کسب کند. یعنی می توان گفت در حقیقت یک مزد بین افراد خانواده تقسیم می گردد. اما در طرف دیگر اوضاع به شیوه دیگری است، یعنی سرمایه دار با پرداخت یک مزد یا اندکی بیشتر از یک مزد به مجموع خانواده سه یا بیشتر مورد کار غیرلازم را تصاحب می کند و حجم ارزش اضافی تصاحب کرده را بالا می برد.

این وضعیت که در آغاز صنعت ماشینی پیش آمد چنان لجام گسیخته گردید که دولت بورژوائی و پارلمان آن به دلیل حفظ منافع آتی مجبور به دخالت و تعیین حد و حدود گردید. مثلاً پارلمان انگلیس به عنوان کشوری که پیشرو صنعت بود محدودیت‌هایی در رابطه با کار کودکان و زنان مقرر کرد، از قبیل لزوم تحصیلات ابتدائی، ساعات محدود کار، محدودیت سنی و غیره. اولین این قوانین به نام قانون کارخانجات در سال ۱۸۳۳ به تصویب رسید که گذشته از تعیین روزانه کار ۱۵ ساعته، کار کودکان و جوانان را به ۱۲ ساعت محدود می کند و به تدریج با رشد گیری مقاومت کارگران که آن هم با صنعت بزرگ آغاز می شود در سال ۱۸۴۴ ساعات کار کودکان کوچک تر از ۱۳ سال به ۶-۷ ساعت در روز محدود می گردد. بعد از شکست و سرکوب قیام چارتیست ها و سپس قیام جون

پاریس دوباره از سال ۱۸۵۰ نیروی تعرضی طبقه کارگرسریعا رشد می یابد و متعاقب آن پارلمان مجبور به تصویب قوانین جدید می گردد. کارشبانه زنان و جوانان و کودکان ممنوع می شود. این روند با توجه به قدرت مبارزاتی طبقه کارگر و به نسبت شدت و ضعف مبارزه طبقاتی فراز و نشیب می پیماید. کنگره بین الملل کارگری در ژنو در سپتمبر ۱۸۶۶ روزانه کار ۸ ساعته را پیشنهاد می کند. قوانین حمایت از کودکان به وجود می آید و کار کودک ممنوع اعلام می شود. اما ببینیم امروز در بر کدام پاشنه می چرخد و در ورای این قوانین اوضاع واقعی در مورد کودکان چگونه است.

برای دقت بیشتر و امکان مقایسه مسأله را در بخش های جداگانه کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای درحال رشد (گرچه واژه ای رسا نیست و بسیاری از کشورها که در زمره این تعریف قرار می گیرند نه در حال رشد که در حال فروپاشی و نشان دهنده فاجعه های انسانی دلخراش هستند. اما بازار سرمایه با وجود این گرم است و ازخون این قربانیان نیرو می گیرد) و در درون کشورهای در حال رشد هم آن ها را به اساس قاره ها مورد بررسی قرار می دهیم.

یک دوازدهم جمعیت جهان دچار سوء تغذیه است که ۱۶۰ میلیون نفر آن را کودکان زیر ۵ سال تشکیل می دهد. هر روز ۳۴ هزار کودک زیر ۵ سال و هر ساله ۱۲ میلیون کودک از گرسنگی می میرند در حالی که به اندازه کافی گندم، برنج و مواد غذایی برای سیر کردن شکم جمعیت جهان وجود دارد. هم زمان با این مرگ و میر بالای کودکان از گرسنگی، برای حفظ قیمت و تعادل بازار مقادیر زیادی از این مواد عامدانه نابود می گردند. می گویند فقر مهم ترین عامل گرسنگی است اما نمی گویند این فقر فزاینده از کجا می آید و چرا همواره دامنه آن گسترده تر می شود. ۱ نفر از هر ۴ نفر جمعیت جهان یعنی ۱/۳ میلیارد نفر روزانه با کمتر از یک دالر امریکا زندگی می کند. درحقیقت باید بگوئیم این تعداد از جمعیت جهان مرگ را روزشماری می کنند.

چرا کودکان کار می کنند؟

۲۵۰ میلیون کودک ۱۴-۵ ساله کار می کنند تا چرخ اقتصاد جهان بهتر به گردش درآید. از این تعداد، ۱۲۰ میلیون کودک به طور تمام وقت و بقیه نیمه وقت کار می کنند. ۱۱۳ میلیون کودک حتی از تحصیلات ابتدائی محرومند و در بسیاری از نقاط به طور سنتی این شتر ابتداء در خانه دختران کوچک می خوابد و خانواده سودی در سرمایه گذاری برای آموزش دختران نمی بیند یا از شدت فقر در حقیقت آن ها را می فروشد. هم زمان میلیون ها انسان بزرگسال بیکارند. بعضی از سرمایه داران کودکان را به خاطر جثه کوچک شان برای کار مفید تر از بزرگسالان می یابند، برای گره زدن قالی های گران قیمت (دختر ۶ ساله ای در ایران به عنوان بهترین قالی باف انتخاب می شود و در کمال بیشرمی در بوق و کرنا دمیده می شود و از رهبر جایزه دریافت می کند!!) برای خزیدن در تونل های باریک معادن و در معنای درست کلمه برای این که سود بیشتری از این کار نصیب سرمایه می شود. به طور مثال، در سال ۱۳۷۶ طبقه سرمایه دار ایران نهصد و هجده میلیارد تومان از محل کار کودکان سود اضافی به چنگ می آورد.

کودکان به چه کارهایی اشتغال دارند؟

در کارخانه ها برای تولید کالاهای مختلف با مزدی اندک و تحت شرایط بسیار بد و بدون هیچ لباس حفاظتی و اقدامات ایمنی کارمی‌کنند، مثل تولید کفش ورزشی، قالی بافی، کبریت سازی، شیشه گری، ساخت مواد آتش بازی، تولید سیگار، تولید مواد سمی و شیمیایی که نمونه بوپال هند دنیا را تکان داد اما برای سرمایه تنها ارتعاش کوچکی بود که با پرداخت اندکی پول به خانواده های فقیر کشته شدگان برآن سرپوش گذاشته شد تا در جاهای دیگر تکرار شود. نمونه دیگر آن شرکت امریکائی اچ. ب. فولدرر گواتمالا است که به تولید مواد سمی و شیمیایی توکسید و چسب برای کفش مشغول است که بر روی اعصاب تأثیر می گذارد. این شرکت از کار کودکان خیابانی و دیگر کودکان خانواده های فقیر استفاده می کند. این کودکان به دلیل استنشام مواد سمی حس بویایی خود را از دست می دهند و گاه از تأثیر سم می میرند. به طور مثال، درجنوری ۱۹۹۳ در این کارخانه ۱۱ کودک به دلیل مسمومیت مردند اما سود کارخانه در یک سال از این تجارت ۴۵۰ هزار دلار بود. سنگ شکنی، ماهی‌گیری در دریای عمیق، دستفروشی، ماشین شوئی و ماشین پائی، شاگردی مغازه، پادوئی، کشاورزی خانوادگی و کشاورزی صادراتی همراه با خانواده، کار بدون مزد فامیلی، خدمتکاری و واکس زنی در مراکز خدماتی مثل هتل ها، کافه ها و بارها، در رستوران ها و آشپزخانه ها، و درکارهایی که به عنوان بدترین نوع کار تقسیم بندی می گردد، مثل بردگی جنسی، استفاده از کودکان در فاحشگی، پورنوگرافی، حمل و توزیع مواد مخدر، تجارت سکس و توریسم سکس. این بخش ۱۷۹ میلیون از ۲۴۶ میلیون کودکان کار را در برمی‌گیرد. توسط دولت ها و چریک های مخالف به عنوان سرباز به کار گرفته می شوند. پسران امکان بیشتری برای یافتن شغل دارند. دختران اما بیشتر نزد خانواده ها به عنوان خدمتکار بدون دریافت هیچ مزدی روزانه ۱۰ تا ۱۴ ساعت کار می کنند و بنا بر طبیعت این نوع کار در آمارها هم به حساب آورده نمی شوند. هم چنین در تجارت سکس و توریسم سکس بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند.

جنگ و کودکان

کودکان همواره قربانیان جنگ ها هستند. در جنگ‌های ۱۰ ساله اخیر دو میلیون کودک جان خود را از دست داده‌اند. اما این جا به شیوه ای دیگر قربانی می شوند. آن ها به خاطر فقر، به خاطر دریافت غذای روزانه و به خاطر داشتن جانی برای زندگی! به ویژه کودکان خیابانی و بعضی از ترس به ارتش دولتی یا ارتش چریکی می پیوندند. شمار کودکان سرباز در ۳۰ کشور درگیر در جنگ در نقاط مختلف دنیا بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر است. از این کودکان برای پیام رسانی، حمل اسلحه و بار، مین رویی، و پارتنرسکس استفاده می شود. استفاده از کودکان زیر ۱۸ سال تنها اختصاص به کشورهای فقیر یا در حال رشد ندارد بلکه در کشورها ی پیشرفته صنعتی هم کودکان خانواده های فقیر را در برمی‌گیرد. مثلا بعضی از کودکان سرباز انگلیسی در جنگ خلیج و فالکلند کشته شدند. هم چنین سربازان ۱۷ ساله امریکائی در جنگ های سومالی، بوسنی و خلیج شرکت داشتند. در کانادا کودکان ۱۶ ساله را به خدمت نظام می پذیرند. کودکان سرباز در بسیاری از جنگ های دیگر از جمله بوسنی هرزگوین، چین، ناگورنو قره باغ، مقدونیه، ترکیه، کوسوو، داغستان و جمهوری های سابق یوگوسلاوی فعال بودند. از جمله جنگ هایی که کودکان به طور علنی در آن فعال بودند و حضور آن ها از طرف مسؤولان بالای مملکتی مورد تشویق و تأیید قرار می گرفت جنگ ایران و عراق بود. کودکان ایرانی برای حضور در جنگ احتیاج به اجازه والدین نداشتند. از این کودکان برای مین رویی و عملیات انتحاری استفاده می شد. نمونه بارز آن کودک ۱۲ ساله

ای بود که خود را با مواد منفجره به یک تانک عراقی زد و کشته شد که از طرف رهبر و مقامات دیگر به الگوی کودکان و نوجوانان مسلمان تبدیل شد. خود من نیز دو کودک ۱۱ و ۱۳ ساله را می شناسم که در میدان مین پودر شدند و آثاری از آن ها باقی نماند تا به خانواده شان تحویل دهند. در حالی که فرزندان همین رهبران در کنار والدین خود به راحتی زندگی می کردند و به آن ها گفته می شد: جبهه جنگ شما، مدرسه است (از مصاحبه رفسنجانی در مورد اشتیاق پسرش برای رفتن به جبهه). این وضعیت خود را در ادبیات و فرهنگ جنگ به خوبی نشان می دهد. در یکی از سرودهایی که در زمان جنگ مرتب برای تشویق کودکان در رفتن به جبهه از رادیو ایران پخش می شد کودکان سرود خوان می گفتند: دشمن خیال کرده ما نوگل بهاریم ، اما امام ما گفت ما مرد کارزاریم!! عجیب است که دشمن در این مورد انسانی فکر می کند!!

کودکان و سکس تجاری

سکس تجاری، که یکی از نمودهای سقوط اخلاقی در سرمایه داری است، شامل فاحشگی کودکان، پورنوگرافی کودکان، تورسیم سکس و ترانزیت کودکان به خاطر سکس است. خودفروشی کودکان با سکس تجاری سازمان دهی می شود. کودکان از طریق بچه دزدی یا بیواسطه با تحویل خانواده های فقیر برای دریافت پولی اندک یا به عنوان استرداد قرض خانواده و گاه به تصور تهیه زندگی بهتری برای کودک در آینده و یا توسط قیم برای دریافت پول در اختیار باندهای مربوطه قرار می گیرند. کودکان خیابانی بزرگ ترین منبع این به اصطلاح تجارت هستند. این کودکان گذشته از آسیب های شدید روحی در خطر جدی ایدز قرار دارند. تورسیم های سکس معمولاً از امریکا، کانادا، ایتالیا و آلمان می آیند، یعنی از کشورهای پیشرفته سرمایه داری که مشکل و محدودیتی برایشان در سکس طبیعی وجود ندارد.

توزیع جغرافیایی کار کودک

منطقه	کشورهای صنعتی اروپا	اروپای شرقی	آسیا و اقیانوسیه	آفریقا و خاور میانه	امریکای لاتین و کارائیب
میلیون نفر	۲/۵	۲/۴	۱۲۷/۳	۶۱/۴	۱۷/۴
درصد			۶۱	۳۲	۷

اروپای غربی

گرچه آمار رسمی و دقیقی از کار کودکان در اروپا وجود ندارد اما بعضی از مطالعات نشان از کار گسترده کودکان در انگلیس، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال دارد. ، لذا کار کودک به صورت یک مسأله جدی برای اروپا در آمده است. می توان گفت تقریباً در هر چیزی که می خریم جای پای کار کودکان وجود دارد، به ویژه در بسیاری از شاخه های صادراتی از جمله تولید پوشاک و هم چنین در تورسیم سکس کودکان، پورنوگرافی کودکان و استفاده از آن ها در کار توزیع مواد مخدر، به نحوی که در دسامبر ۱۹۹۹ پارلمان اروپا موظف به اقداماتی برای کاهش آن می شود. در کشورهای پیشرفته صنعتی ۲/۵ میلیون کودک کار می کنند. این آمار چنان که بر می آید نمی تواند درست باشد، زیرا بر مبنای گزارش BBC در ۱۰ فیروری ۱۹۹۸ بیش از دو میلیون کودک در سن مدرسه تنها در انگلیس به

نوعی در استخدام هستند که سه چهارم آن ها به طور غیرقانونی کار می کنند. به کودکان ساعتی ۳۳ پنس مزد داده می شود. گرچه متوسط ساعات کار هفتگی ۸ ساعت است بعضی از کودکان تا ۲۹ ساعت در هفته کار می کنند. یا به اساس گزارشی دیگر دو سوم کودکان دبیرستانی انگلیس احتمالاً نیمه وقت کار می کنند یا ۵۰ درصد کودکان موقع تعطیلی مدرسه یک کار نیمه وقت دارند. سالانه ۵۰۰ هزار زن و دختر نوجوان از افریقا، آسیای جنوب شرقی و به ویژه اروپای شرقی و مرکزی به اتحادیه اروپا ترافیک می شوند و به کار سکس تجاری مجبور می گردند. به اساس مطالعه ای در المان حدود ۶۰۰ هزار کودک کار می کنند که ۴۰ درصدشان ۱۵-۱۳ ساله هستند. آن ها در مزارع و کارگاه های فامیلی، روزنامه فروشی، پخش آگهی های تجاری و . . . فعالند. طبق قانون کار المان کودکان زیر ۱۳ سال به هیچ وجه اجازه کار کردن ندارند. اما بسیاری از کارفرماها به طور غیرقانونی از کار نوجوانان به دلیل ارزان بودن استفاده می کنند. در پرتغال ۵۰ هزار کودک به طور تمام وقت و اکثراً در کشاورزی کار می کنند. با وجود اجباری بودن و کنترل آموزش مدرسه ای در شمال پرتغال کودکان حدود ۱۲ ساله در کارخانه های تولید کفش کار می کنند، در حالی که سن قانونی کار ۱۶ سال است. در خانواده های فقیر پرتغال کسب درآمد پولی مهم تر از آموزش و آموختن است و به همین سبب وقتی کاری برای کودکی پیدا می شود سبب شادمانی می گردد. قابل ذکر است که در اتحادیه اروپا ۵۵ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می کنند. از هر ده کودک یک کودک زندگی اش با کمک های اجتماعی تأمین می گردد. ۴

اروپای شرقی و جمهوری های سابق شوروی

به دست آوردن بسیاری از اطلاعات آماری مربوط به این کشورها مشکل و گاه دست نیافتنی است. درصد کودکان کارگر در این کشورها با اطلاعات رسمی بین ۱ تا ۳۰ درصد کل کودکان ۱۴-۱۰ در نوسان است. سن قانونی کار در آن ها بین ۱۴ تا ۱۸ سال است. این کودکان در مزارع فامیلی، مارکت ها، باربری، نظافت، شاگردی مغازه، فروش روزنامه، دستفروشی در خیابان، ماشین شوئی، کار در مزارع کتان و برنج، پرورش کرم ابریشم، گدائی و به ویژه به خودفروشی اشتغال دارند.

این کشورها منبع اصلی برای ترانزیت زنان و به ویژه کودکان به اروپا و سایر کشورهاست. بعد از تخریب بلوک شرق و ورود آن ها به نظام سرمایه داری نوع غربی، نابه سامانی های اجتماعی که قبلاً به شیوه هایی تخفیف می یافت مثل یک دمل چرکی سرباز کرد. اما به جای بهبود - که البته بهبودی در کار نبود - به غده سرطانی تبدیل شد. از جمله این نابه سامانی ها پدیده کودکان خیابانی و تجارت سکس است. اکنون این کشورها منبع اصلی تأمین زنان و دختران خودفروش برای کشورهای اروپایی است، به نحوی که در کشورهای اروپا تعداد خودفروشان مهاجر از خودفروشان بومی بیشتر شده است. اغلب این ها را کودکان ۱۳ و ۱۴ ساله تشکیل می دهد که باندهای قاچاق انسان آن ها را با وعده یافتن شغلی خوب به اروپای غربی می آورند و به بردگی جنسی می کشانند. کودکان به ویژه دختران از قزاقستان به یونان، ترکیه، امارات، اسرائیل و کوریای جنوبی، از ازبکستان به کشورهای خلیج فارس، کوریای جنوبی، ترکیه و تایلند برای سکس تجاری ترانزیت می شوند. از استونی به شمال و غرب اروپا، از گرجستان دختران برای فاحشگی و کلفتی و سکس تجاری و پورنوگرافی به ترکیه و یونان ترانزیت می شوند.

کشورهای در حال رشد

افریقا

یک سوم کل کودکان ۱۴-۵ ساله افریقا کار می کنند که بالاترین میزان کار کودک در جهان است. چاد با ۶۵/۵، گینه بیسائو با ۶۵/۴ و کامرون با ۶۳/۵ درصد، بالاترین درصد کار کودکان ۱۴-۵ ساله را در افریقا دارند. سه چهارم کودکان به کار فامیلی بدون مزد و ۹۰ درصدشان به کار کشاورزی اشتغال دارند.

به طور کلی ۲۲ درصد نیروی کار قاره افریقا را کودکان تشکیل می دهند. عمده فعالیت های اقتصادی که کودکان در آن ها مشغولند عبارت از: کار در مزارع فامیلی، مزارع تجاری کشت نیشکر، برنج، چای، و قهوه. به طور مثال ۵۰-۶۰ درصد نیروی کار مزارع قهوه کنیا را کودکان تشکیل می دهند. در گابن برای کار اجباری در مزارع تجاری به ۳۴۰ دلار امریکا فروخته می شوند. آن ها بدون دریافت مزدی روزانه ۱۲ ساعت کار می کنند و مورد سوء استفاده جنسی نیز قرار می گیرند. بعضی از کودکان در صنایع صادراتی مثل نساجی، لباس دوزی، قالی بافی و کفش کار می کنند. عده ای دیگر در معادن طلا، الماس و ذغال و . . . دستفروشی در خیابان، واکس زنی، ماشین پائی، شاگردی مغازه، خدمتکاری و کار در کارگاه های تعمیراتی و فلزکاری ها که در آن ها با مواد شیمیایی و سمی چون رنگ، تینر و اسید باطری سرو کار دارند. از جمله کارهای دیگر چیدن و جمع آوری میوه، کندن گل، ماهی گیری، و جست و جو در آشغال برای مواد فلزی و پلاستیک و غیره است. سن قانونی کار در این کشورها متغیر و از ۱۲ تا ۱۸ سال است. دختران معمولاً به کار خدمتکاری در منازل اشتغال دارند که یا بی مزد است و یا مزد ناچیزی دارد. اما اینان در خطر سوء استفاده جنسی و به دلیل دوری از خانواده و تنها بودن دچار مشکلات روانی اند. اشتغال در ارتش دولتی یا چریکی مخالف دولت هم تعدادی را به خود جلب می کند. در چاد کودکان ۱۳ ساله در ارتش پذیرفته می شوند و آن ها را برای مین رویی به خط مقدم می فرستند. در جمهوری کنگو ۱۵ هزار کودک سرباز وجود دارد که از ۱۳ سالگی پذیرفته می شوند اما ورود به ارتش های محلی از ۸ سالگی است. سکس تجاری و پورنوگرافی از کودکان در حال گسترش است و کودکان به این دلیل به اروپا و کشورهای داخل قاره ترانزیت می شوند. در کنگو دختران از سن ۸ سالگی به خودفروشی کشیده می شوند و در اتیوپی پسران و دختران از ۱۱ سالگی. کامرون کشور ترانزیت کودکان وارداتی از نیجریه، بنین، چاد، کنگو، افریقای مرکزی، توگو و مالی برای سکس تجاری است. افریقای جنوبی از مراکز اصلی ترافیک کودکان به اروپا و ترافیک دختران به اسرائیل و روسیه است.

آموزش ابتدائی گرچه در اغلب کشورها اجباری و مجانی است اما میزان خالص ثبت نام در آن پائین و به طور متوسط ۴۰ درصد است. در اکثر این کشورها کودکان مناطق روستائی به مدرسه فرستاده نمی شوند، که دلیل آن علاوه بر کمبود یا نبود مدرسه فقر مفرط است، زیرا قادر به تهیه کتاب و دفتر و غیره نیستند. در بسیاری از کشورها به دلایل فرهنگی دختران را به مدرسه نمی فرستند. بسیاری نیز از ۵ سالگی به خدمتکاری فرستاده می شوند. بنا به گزارش یونسف در گینه بیسائو ۲۵ درصد مدارس تنها ۲ کلاس درس و ۵۰ درصد شان فقط تا پایه چهارم را دارند. در بعضی مناطق نیز کودکان را به مدارس اسلامی می فرستادند.

آسیا

۱۲۷/۳ میلیون کودک ۱۴-۵ ساله در آسیا کار می کنند. اما آمارهای غیررسمی بسیار فراتر از این است. مثلاً بنا به گزارش سازمان جهانی کار که از منابع رسمی استفاده می کند ۱۱/۳ میلیون کودک کارگر در هند وجود دارد

که ۵/۴ درصد نیروی کار هند را تشکیل می دهد. اما بنا به گزارش سازمان های غیردولتی بین ۴۴-۵۵ میلیون کودک در هند کار می کنند که ۱۴ میلیون تنها به عنوان خدمتکار در خانه ها کار می کنند. در ایران بنا به گزارش منابع رسمی ۳۸۰ هزار کودک ۱۴-۱۰ ساله به طور ثابت و ۳۶۰ هزار به طور فصلی کار می کنند، یعنی در مجموع ۷۴۰ هزار کودک کارگر. این آمار کار بی مزد کودکان در فعالیت های اقتصادی خانوادگی، خدمتکاری، شاگردی مغازه و کارهای غیررسمی را در بر نمی گیرد.

سن کارقانونی در اکثر کشورهای آسیا ۱۵ سال و بیشتر است اما در بعضی کشورها بسیار پایین تر است، مثلا در بنگلادش بین ۱۴-۱۲ سال است. در اغلب این کشورها کار از سنین پایین تر از ۱۵ با اجازه والدین یا قیم هم امکان پذیر است اما سن غیرقانونی کار از ۴ یا ۵ سالگی به ویژه در کارگاه های قالی بافی، حصیر بافی، آجرپزی آغاز می گردد و کودکان در کنار والدین خود و یا تنها روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار می کنند. در منابع رسمی ایران از جمله در انتشارات مرکز آمار ایران توزیع فعالان در بخش های عمده اقتصادی بر مبنای شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر انجام می گیرد یعنی به طور رسمی سن کار از ۱۰ سالگی در نظر گرفته می شود. حداقل سن کار در ایران طبق ماده ۱۶ قانون کار ۱۲ سال است. اما باز طبق ماده ۷ همین قانون حداقل سن کار برای کارگاه های فامیلی اعتبار ندارد. حتی با رعایت ضوابطی، کار شبانه نیز برای شان مجاز است. کودکان آسیائی در بخشهای مختلف رسمی و غیررسمی کار می کنند که موارد زیر را شامل می شود:

کارخانه های کفش سازی کار با چسب و مواد شیمیائی خطرناک، کارگاه های ساخت وسایل آتش بازی و مواد منفجره، تولید توپ والیبال و کریکت به ویژه توسط کودکان بسیار کم سن پاکستانی، به طور مثال در کارخانه سیالکوت در شرق پاکستان سالانه ۴۰ میلیون انواع توپ به ویژه توپ فوتبال تولید می شود. ۲۵ هزار نفر برای این کارخانه کار می کنند که ۵ هزار نفرشان را کودکان تشکیل می دهند. آن ها تکه های کوچک را به هم می دوزند و از ۷ صبح تا دیر وقت شب برای دریافت حقوق ناچیزی که چند سنت است برای شرکت های معروف از قبیل ریوک، دان لوب، لوتو، میتره و آدیداس توپ تولید می کنند که در اروپا به قیمت بالا فروخته می شود. تولید وسایل بوکس، کاردرهتل ها و رستوران ها، کار در آشپزخانه ها، بیشترین نیروی کار کودکان در کشاورزی در مزارع برنج، گندم، توتون، شکر، کائوچو، چای، موزو دانه ها به کار گرفته می شود. در سنگ شکنی، آجرپزی، سفال و شیشه گری، ماهی گیری، صید مروارید در آب های عمیق و کار در معادن سطحی و زیر زمینی بدون امکانات حفاظتی، جست و جو در تل های آشغال برای یافتن مواد فلزی، پادوئی مغازه، ماشین پائی و ماشین شوئی، دستفروشی در خیابان، واکس زنی (همایون ۱۰ ساله که در پارک ملی مشهد از ۷ صبح تا ۹ شب کار می کند می گوید برای کمک به مخارج خانواده از ۵ سالگی کار کرده است در حالی که دوست دارد درس بخواند.) و وزن کردن، باربری، بارزدن و خالی کردن بار، خدمتکاری به ویژه برای دختران که روزانه تا ۱۸ ساعت کار می کنند و حقوق ماهیانه آن ها حدود ۷ دالر امریکاست و در خطر سوء استفاده جنسی قرار دارند. در کارخانه ها و کارگاه های قالی بافی و تعمیرگاه های اتومبیل که چون کار شاگردی و آموزشی محسوب می شود حداقل مزد پرداخت می گردد. در کارخانه های اسباب بازی سازی، شکلات، و محصولات غذایی به کار گرفته می شوند در حالی که خود اغلب گرسنه اند و در آرزوی داشتن اسباب بازی و بازی های کودکانه. روزنامه فروشی، فال و دعا فروشی، آدامس و سیگار فروشی، پلاستیک فروشی، نان خشکی و غیره.

علاوه بر موارد بالا، کودکان فروخته می شوند. اجازه داده می شوند. برای بازپرداخت قرض هایی که هیچ گاه

تمامی ندارد و اگذار می‌شوند. توسط باندهای جنایت کار برای تجارت اعضای بدن دزدیده و کشته می‌شوند. مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند و به کار خودفروشی و ادار می‌گردند و در تجارت سکس به نقاط مختلف برای توریسم سکس صادر می‌گردند. بیش از یک میلیون کودک در آسیا در بردگی سکس هستند. دو کشور ترکیه و تایلند کشورهای ترانزیت دختران از ۹ ساله برای سکس تجاری هستند. این دختران از رومانی، روسیه، اکراین، مولداوی، ارمنستان، آذربایجان، بلغارستان، گرجستان و خود کشورهای آسیایی به اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می‌شوند، به طور مثال سالانه ۲۰۰ هزار زن و کودک در پاکستان برای کار! فروخته می‌شوند. چندی پیش نیز مسأله تجارت سکس دختران کم سن توسط بعضی نهادهای رسمی ایران به امارات بر ملا گردید و یا اخیراً خود مقامات برای رد گم کردن خبر از گسترش این پدیده می‌دهند. "تا کنون تعداد زیادی از زنان و دختران ایرانی به شکل غیرقانونی به پاکستان، افغانستان، و کشورهای عربی برده و در اختیار مراکز خرید و فروش قرار گرفته‌اند." گویی تنها دل نگرانی آن‌ها غیرقانونی بودن آن است. یک سوم از ۵۵ هزار خودفروش کامبوج کودک اند و در هند ۳۴۵ هزار کودک به خودفروشی اشتغال دارند. این کودکان همه در خطر ایدز قرار دارند. تنها در یک مورد ۶۵۰ هزار کودک حامل ایدز در تانزانیا وجود دارد.

از کودکان در کارهای جنائی و قاچاق و برای حمل و توزیع مواد مخدر سوء استفاده می‌شود. هر ساله ۲۰ هزار پسر ۴-۵ ساله از بنگلادش و بسیاری دیگر از پاکستان به امارات و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می‌شوند تا برای شرکت در مسابقات شترسواری تربیت شوند و شادی شیوخ عرب را فراهم سازند که مورد سوء استفاده جنسی هم قرار می‌گیرند، زیرا این کودکان در حقیقت فروخته می‌شوند و جزو مایملک خریدار محسوب می‌گردند.

رابطه مستقیمی بین کار و آموزش کودکان وجود دارد. گرچه در همه این کشورها آموزش ابتدائی اجباری و رایگان است اما به دلیل بیکاری والدین، فقر و گرانی وسایل آموزشی و مخارج رفت و آمد خانواده‌ها از فرستادن کودکان به مدرسه چشم می‌پوشند و آن‌ها را روانه بازار کار می‌کنند. به همین دلیل بسیاری از این کودکان هیچ‌گاه به مدرسه فرستاده نشده‌اند و بسیاری مدرسه ابتدائی را نا تمام رها کرده‌اند. به طور مثال ۳۰ درصد کودکان ۱۳ تا ۱۵ ساله تایلند اصلاً به مدرسه نرفته‌اند. در بنگلادش ۵۲ درصد پسران و ۴۸ درصد دختران به مدرسه ابتدائی وارد می‌شوند. در سال ۲۰۰۰ در کشور تانزانیا ۴ میلیون از ۱۰ میلیون کودک ۵-۱۴ ساله به مدرسه نمی‌رفتند.

امریکای لاتین

امریکای لاتین و منطقه کارائیب با مجموع ۱۷/۴ میلیون کودک کارگر، ۷ درصد کل کودکان کارگر دنیا را دارد. در این جا نیز چون سایر مناطق عامل اصلی کار کودکان عبارت است از فقر ناشی از استثمار سرمایه داری و تقسیم کار جهانی و سودیابی بیش از حد سرمایه از کار کودکان به جای کار نیروهای بزرگسال که گران تر است. در این منطقه نیز فقر ابتداء دامن گیر دختران می‌شود. ۶۹ درصد دختران ۱۷-۱۰ در پاناما به خدمتکاری فرستاده می‌شوند. دختران به جای فرستاده شدن به مدرسه برای سواد آموزی به کلفتی در خانه‌های مردم فرستاده می‌شوند که در صد بالائی از آنان مزد هم دریافت نمی‌کنند و با کار طولانی روزانه تنها غذا و مکان زندگی دریافت می‌دارند، مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند و به خاطر دور بودن از خانواده در سنین کودکی دچار مشکلات روحی روانی می‌شوند. به طور مثال دو سوم کودکان خدمتکار در هندوراس مزدی دریافت نمی‌کنند و

تنها سودش برای خانواده، کم شدن یک نان خور از سر سفره فقیرانه‌شان است. در بسیار از کشورها خانواده برای کار به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند اما کودکان را با خود به همراه نمی‌برند که آنها به جمع کودکان کار یا کودکان خیابانی اضافه می‌شوند.

با وجودی که آموزش ابتدائی مجانی و اجباری است بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کودکانی که به مدرسه فرستاده می‌شوند مدرسه ابتدائی را تمام نکرده به دلیل فقر و عدم توانائی در تهیه وسایل کمک آموزشی مجبور به ترک تحصیل می‌گردند، به طوری که در بسیاری از کشورها متوسط سال های تحصیل ۴ سال است. یا در کاستاریکا ۲۴ درصد کودکان اصلا شناسنامه ندارند که به مدرسه فرستاده شوند.

سن قانونی کار در اکثر قریب به اتفاق کشورها ۱۴ و بیشتر است اما مراقبتی برای اجرای آن انجام نمی‌شود زیرا در آن صورت باید آن‌ها را زیر پوشش کمک های دولتی قرار دهند که برای شان خوشایند نیست. این قوانین توسط خود دولت ها هم زیر پا گذاشته می‌شود که نشانه بارز آن وجود کودکان سرباز در ارتش دولتی است. شروع کار در بعضی از مناطق و بعضی از فعالیت های اقتصادی چنان پائین است که باورکردنی نیست. به طور نمونه در مناطق کشاورزی پرو کودکان ۶-۷ ساله ۵۵ درصد کودکان کار را تشکیل می‌دهند یا در کارخانه های آجر کودکان از ۳ سالگی به همراه والدین خود کار را آغاز می‌کنند.

عمده فعالیت های اقتصادی که از کار کودکان تغذیه می‌کند عبارت اند از کار کشاورزی و کار بدون مزد فامیلی. به اساس گزارش یونسف نیم کودکان کار هندوراس در این بخش فعالند. خدمتکاری بیشتر برای دختران و کمتر برای پسران، کار در مزارع تجاری قهوه و شکر، کار در کارخانه های تولید لباس، کفش، وسایل منزل و بسته بندی حبوبات در سوپرمارکت ها، کار در معادن و صنعت ذغال، ماهی گیری و تولیدات وابسته به آن، مراقبت از احشام و تولید گوشت، دستفروشی در خیابان ها، پادوئی، واکسی ماشین شوئی و ماشین پائی، کار در هتل ها و رستوران ها و کلپ های شبانه که با سوء استفاده جنسی همراه است. کار ساختمانی، گدائی (کودکان بسیاری برای گدائی از کشوری به کشورهای دیگر صادر می‌شوند، به طور نمونه سالانه ۲ تا ۳ هزار کودک از هائیتی برای گدائی به دومینیکن صادر می‌شوند).

کودک سرباز: کودکان توسط دولت و چریک های مخالف دولت برای سربازی پذیرفته می‌شوند. ازین کودکان در کار پیام رسانی، حمل بار و تسلیحات، پارتنرسکس استفاده می‌شود. کودکان به دلایل مختلف به این بخش می‌پیوندند که مهم ترین شان عبارت است از رهائی از کار بی پایان و بدون مزد خدمتکاری، تأمین غذایی، تأمین مکان زندگی برای کودکان خیابانی و مراقبت جسمانی و ترس.

سکس تجاری: اکثر کشورهای این گروه در این زمینه فعال اند. کودکان به کشورهای منطقه یا سایر نقاط دنیا ترانزیت می‌شوند. کلمبیا مرکز ترافیک کودکان به ژاپن، اسپانیا و امریکاست. کاستاریکا مرکز ترانزیت سکس کودکان از بلغارستان، کلمبیا، دومینیکن، نیکاراگوا، روسیه، پاناما، فیلیپین، آسیا و افریقا است. اکوادور محل ترانزیت کودکان و زنان در منطقه برای تجارت سکس با کشتی به ژاپن است. تجارت سکس به ویژه در مناطق توریستی رونق دارد و کودکان از سنین ۸ و ۹ سالگی به خودفروشی مجبور می‌شوند. به نحوی که خودفروشی در حال رشد است و رانندگان تاکسی در بعضی شهرهای توریستی کار واسطه گری سکس را به عهده دارند.

ایالات متحده امریکا

بنا بر اطلاعات ارائه شده در کتاب سالانه آمار کار ILO، سال ۲۰۰۱، در سال ۲۰۰۰ در امریکا ۸۳۶۹ هزار نفر در گروه سنی ۱۶-۱۹ فعال اقتصادی بوده اند. ۸۰ درصد ۱۰ میلیون کودک ۱۷-۱۵ ساله در طول سال تحصیلی شغلی داشته اند. در سال ۹۸ در امریکا ۴ میلیون کودک کار می‌کردند. به اساس آمار اداره آمار کار، ۲/۶ میلیون نوجوان یعنی ۳۴/۵ درصد ۱۶-۱۷ ساله ها به نوعی در استخدام بودند. به اساس گزارش در جون ۹۶، ۵/۵ میلیون کودک ۱۲/۱۷ ساله کار می‌کردند. این آمار کودکان زیر ۱۲ سال را در بر نمی‌گیرد. قابل ذکر است که کودکان ۸،۷،۶ ساله امریکائی در مناطق کشاورزی کار می‌کنند. کودکان اغلب در مزارع روزانه ۱۲ ساعت کار می‌کنند. گاه کار از ساعت ۳ یا ۴ صبح آغاز می‌شود. کودکان در گرمای ۱۰۰ درجه فارنهایت در شرایط بسیار بدی کار می‌کنند، با مواد شیمیائی سمی سروکار دارند که سرطان زاست. کشاورزی تجاری خطرناک ترین بخش برای کار کودکان و هم زمان بزرگترین بخش جذب کار کودکان بدون حمایت‌های قانونی است که سبب آسیب فراوان به زانوی کودکان می‌شود. هر ساله ۱۰۰ هزار کودک در کار کشاورزی تجاری آسیب می‌بینند. فقیرترین کودکان در امریکا کار را از زمانی آغاز می‌کنند که دیگر کودکان همسال شان هنوز به کودستان نمی‌روند. در یک تحقیق انجام یافته توسط داگلاس ال. کورزه اقتصاد دان کار دانشگاه Rutgers، ۲۹۰۲۰۰ کودک در استخدام بودند که ۵۹۶۰۰ نفرشان زیر ۱۴ سال بودند. به طور کلی ۴ درصد همه ۱۲-۱۷ ساله ها در هفته به نحوی کار می‌کنند. به طور خلاصه کودکان در امریکا ۷/۹ درصد نیروی کار امریکا را تشکیل می‌دهند.

۷۰-۸۰ درصد صنعت سکس!! امریکا و کانادا با کودکان شروع به کار کردند. دختران در امریکا از ۱۲، ۱۳، و ۱۴ سالگی کار خودفروشی را در خیابان آغاز می‌کنند. گزارشی در سال ۹۸ می‌گوید که سالانه ۲-۱/۲ میلیون کودک به کودکان خیابانی می‌پیوندند که یک دوم آن‌ها وارد کار خودفروشی می‌شوند. در امریکا سن متوسط خودفروشی ۱۶/۹ سال است. اما این سن برای پسران ۱۴ سال است. علاوه بر این، هر ساله ۴۵-۵۵ هزار زن و کودک از سراسر دنیا به ویژه روسیه، اکراین، لیتوانی، جمهوری چک، لهستان، مجارستان، مکزیک، هندوراس، برزیل، تایلند، فیلیپین، کوریای جنوبی، چین، ویتنام و مالزی برای سکس تجاری وارد می‌شوند. قوه قضائیه امریکا تأیید می‌کند که بین ۱۰۰ هزار تا ۳ میلیون نفر که شامل کودکان نیز هست برای خودفروشی و پورنوگرافی روانه امریکا شده اند. یونیسف گزارش می‌دهد که در سال ۹۷ تنها ۱۰۰ هزار کودک در امریکا وارد سکس تجاری شده اند.

کودک سرباز: سن ورود به ارتش امریکا ۱۷ سال است. در سال ۹۸ ارتش امریکا ۶۷۴۵ کودک را نیز پوشش می‌داد. در سال ۹۹ حداقل صد سرباز ۱۷ ساله در نیروهای امریکائی در بالکان بودند. به گزارش وزارت دفاع امریکا سربازان ۱۷ ساله در جنگ خلیج شرکت داده شدند.

در صد کودکان کارگر در کل نیروی کار

آسیا	افریقا	اروپا	امریکا	امریکای لاتین
۱۵/۳	۲۲	۰/۳	۷/۹	۷

نتیجه گیری

چنان که در سطور بالا آمد کار کودکان بدین شکل سروسامان یافته پدیده ویژه سرمایه داری است که بیش از ۲۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد اما هنوز برای کارفرمایان جذابیت دارد زیرا ارزان است. استثمار آن‌ها راحت تر است. مطیع تراند و چون اغلب غیرقانونی به کار گرفته می‌شوند مخارجی از نظر بیمه و بازنشستگی و اقدامات ایمنی ندارند، در حالی که هم زمان میلیون‌ها بیکار بزرگسال وجود دارد که کاری پیدار نمی‌کنند یا درحقیقت به کار گرفته نمی‌شوند. در عین حال آن‌ها که کار می‌کنند نیز به دلیل شدت بالای استثمار که منجر به پرداخت مزد ناچیز و یا نامکفی می‌شود قادر به تأمین مخارج خانواده خود نیستند. باید گفت که در همین نظام سرمایه داری هم اگر مخارج بازتولید نسل آتی نیروی کار که بر بودجه کارگران سرشکن می‌شود توسط سرمایه و نماینده آن دولت سرمایه داری به طور کامل تأمین گردد مسأله تخفیف خواهد یافت.

به طور مثال، سرمایه داری برای نیازهای خود آموزش کودکان را از حیطة وظیفه خانواده خارج کرد به نحوی که کودکان در مدارس تعلیم می‌بینند اما هنوز مسؤولیت تأمین خوراک، پوشاک، کفش، وسایل کمک آموزشی، مخارج رفت و آمد به مدرسه و غیره باقی است که درآمد ناچیز خانواده کفاف آن را نمی‌دهد. فحشاء نیز پیامد مالکیت خصوصی است که پیشرفته ترین شکل آن مختص سرمایه داری است. اما حل واقعی مسأله با رفم‌های سرمایه داری و کمک‌های اجتماعی، چیزی که "بخشی از بورژوازی مانند اقتصادپون، انسان دوستان، جمعیت‌های خیریه، اعضاء انجمن‌های حمایت حیوانات و غیره برای تأمین بقای جامعه بورژوائی انجام می‌دهند" امکان پذیر نیست. تنها زمانی می‌شود انسان شخصیت واقعی انسانی خود را به دست آورد و استعداد هایش شکوفا گردد که بساط سرمایه داری و کار مزدی برچیده شود. مسأله مالکیت به سود نه دهم اعضاء جامعه که امروز فاقد مالکیت اند به صورت تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی حل شود. کودکان نه فقط به والدین بلکه به جامعه هم تعلق گیرند و تمام تعهدات تأمین آموزش فرزندان از والدین به جامعه تفویض گردد. کتاب، وسایل کمک درسی، تغذیه، وسایل عبور و مرور و غیره به طورکلی مجانی شود. در این صورت، فحشاء نیز که ازملزومات مالکیت خصوصی است از بین خواهد رفت. اما این بدین معنی است که باید ازهم امروز در همین نظام سرمایه داری مبارزه برای این زندگی انسانی را شدت بخشید و دست روی دست نگذاشت. زیرا امری مقدر و جبری نیست که باید به انتظارش نشست بلکه به خاطرش باید جنگید.

زیر نویس ها:

- ۱- کارل مارکس، سرمایه، جلد اول، ترجمه فارسی، ص. ۳۶۹
- ۲- پایدار، ناصر، نگاهی به رابطه کار و سرمایه در ایران، سیمای سوسیالیسم، شماره ۵، ص. ۱۸.
- ۳- اخبار یونیسف، شماره ۳، سپتمبر ۲۰۰۳، ویژه کودکان خیابانی و کودک سرباز
- ۴- کانال خبری اروپا، EuroNews ۲ ژانویه ۲۰۰۴
- ۵- اکبر نعمتی، مدیر کل امور اجتماعی وزارت کشور، ۱۷ آذر ۱۳۸۲، به نقل از ایران آزاد
- ۶- تامارا هنری، گزارش برای USA Today ۶ نوامبر ۱۹۹۸
- ۷- کارل مارکس و فریدریش انگلس، مانیفست کمونیست، ترجمه فارسی، ص ۸۰

یادداشت: اطلاعات و آمار مورد استفاده در این مقاله اکثرا از طریق جست و جو در اینترنت به دست آمده که برای مراجعه خوانندگان مهم ترین آن‌ها را ذکر می‌کنم:

www.dol.gov/ilab

- US Department of Labour

Bureau of international Labour Affairs 2002

- Advancing The Campaign Against Child Labour : Efforts at the country level

- The Department of Labour,s 2002 Finding on the worst Form of child Labour

Trade and Development act of 2000

www.one word.org

www.almudo.com

- street children in Europe and the Middle East.

www.arabia.com

Child soldiers.org

iranian children.org

- کمیته حمایت از کودکان خیابانی ایران - سویدن